

دموکراسی را بر خلق چین قدغن کند و اگر خود او برای "بارت بردن" (و نه برای در هم کوفتن) رژیم دشمن و پوشالیان وارد این شهرها شود اجتناب از جنگ داخلی در چین میسر خواهد گردید. خبرنگار خبرگزاری سین هوا تأکید میکند که این دروغ است و آشکارا با منافع ملی و دموکراتیک خلق چین مبادرت دارد و نیز با کلیه واقعیات تاریخ چین معاصر در تضاد فاحش است. هرگز نباید فراموش کرد که: اینک چانکایشک مدت ده سال از ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۷ بجنگ داخلی مبادرت ورزید بهیچوجه در اثر آن نبود که شهرهای بزرگ در دست حزب کمونیست و نه در دست وی بود. برعکس، از ۱۹۲۷ بعد هیچیک از شهرهای بزرگ در دست حزب کمونیست نبود بلکه همه یا در دست چانکایشک بود و یا بوسیله او تخلیه شده و بدست ژاپنیها و خائنان افتاده بود. جنگ داخلی در چنین احوالی ده سال بمقیاس ملی ادامه یافت و در بعضی از مناطق تا امروز ادامه دارد. هرگز نباید فراموش کرد که اگر جنگ داخلی دهساله متوقف شد، اگر سه کارزار بزرگ ضد کمونیستی و سایر تحریکات بیشمار دوران جنگ مقاومت (از آن جمله هجوم جدید چانکایشک بر بخش جنوبی منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا (۲)) با شکست روبرو گردید بهیچوجه در اثر آن نبود که چانکایشک نیرومند بود بلکه در اثر آن بود که نیرومندیش نسبتاً ناکافی بود و حزب کمونیست و خلق چین نسبتاً نیرومند بودند. جنگ داخلی دهساله متوقف شد، نه در اثر دعوت شخصیت‌های سراسر کشور که هوادار صلح بودند و از جنگ میهراسیدند (مانند شخصیت‌های "جمعیت برانداختن جنگ داخلی" (۳)) که سابقاً وجود داشت و سایر جمعیت‌های نظیر آن) بلکه در اثر خواست متکی باسلحه حزب کمونیست چین و نیز خواست متکی باسلحه

ارتش شمال شرقی تحت فرماندهی جان سیوه لیان و ارتش شمال غربی بفرماندهی یان هو چن . سه کارزار بزرگ ضد کمونیستی و تحریکات بیشمار دیگر باین علت با شکست روبرو نشد که حزب کمونیست به امتیاز دادن‌های بینهایت دست زد و شیوه انقیاد پیش گرفت بلکه بآن علت که حزب کمونیست در روش استوار و عادلانه دفاع از نفس پایداری کرد : " ما حمله نخواهیم کرد مگر آنکه بما حمله کنند ؛ ولی اگر بما حمله کنند بحمله متقابل دست خواهیم زد . " (۴) اگر حزب کمونیست زور نداشت و استقامت نداشت ، اگر تا پایان در راه منافع ملت و خلق پیکار نکرده بود چگونه ممکن بود جنگ داخلی دهساله پایان یابد ؟ چگونه ممکن بود جنگ مقاومت بر ضد ژاپن آغاز شود ؟ و حتی اگر آغاز میشد چگونه ممکن بود مجدانه تا پیروزی کنونی دنبال گردد ؟ چگونه ممکن بود چانکایشک و همالانش هنوز زنده باشند و از درون هزیمت‌گه کوهستانی خویش که آنقدر دور از جبهه است فرمان صادر کنند و اظهاریه بدهند ؟ حزب کمونیست چین مصممانه با جنگ داخلی مخالف است . اتحاد شوروی ، آمریکا و انگلستان در کریمه چنین اعلام داشته‌اند : " صلح داخلی برقرار کنید " و " مقامات دولتی موقت که نماینده کلیه عناصر دموکراتیک اهالی باشند و متعهد شوند که هر چه زودتر از راه انتخابات آزاد به استقرار دولتی موافق اراده خلق بپردازند بوجود آورید " (۵) . این درست همان است که حزب کمونیست چین پیوسته پیشنهاد کرده است : تشکیل " دولت ائتلافی " . اگر این پیشنهاد عملی شود میتواند از جنگ داخلی جلوگیری کند . ولی يك شرط قبلی لازم است : زور . اگر خلق متحد شود و نیروهای خویش را بیفزاید میتوان از جنگ داخلی اجتناب ورزید .

### یادداشتها

- ۱ - مراجعه شود به « تفسیر درباره یازدهمین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی گومیندان و دومین جلسه سومین شورای سیاسی ملی » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۳ .
- ۲ - اشاره است به حمله سپاهیان گومیندان در چون هوا ، سیون ای و یائو سیان واقع در بخش گوان جون از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا در ژوئیه ۱۹۴۵ . مراجعه شود به « وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی » ، یادداشت ۶ ، جلد حاضر .
- ۳ - « جمعیت برانداختن جنگ داخلی » در اوت ۱۹۳۲ در شانگهای تشکیل شد و اعضایش بطور عمده بورژواها بودند . این جمعیت اعلامیه‌ای صادر کرده « پایان دادن به جنگ داخلی و متحد شدن برای مقاومت در برابر تجاوز بیگانه » را خواستار گردید .
- ۴ - مراجعه شود به « مصاحبه با سه خبرنگار خبرگزاری مرکزی و روزنامه‌های «سائو دان بائو» و «سین مین بائو» » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۲ .
- ۵ - استخراج از اعلامیه کنفرانس کریمه ( یالتا ) مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۴۵ که از طرف اتحاد شوروی ، آمریکا و انگلستان انتشار یافت .

[www.KetabFarsi.com](http://www.KetabFarsi.com)

# درباره مذاکرات صلح با گومیندان — اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

( ۲۶ اوت ۱۹۴۵ )

تسلیم سریع اشغالگران ژاپنی وضع را بکلی تغییر داد. چانگکایشک حق پذیرفتن تسلیم را بخود اختصاص داد. برای مدتی ( در طول دوره معینی ) شهرهای بزرگ و خطوط ارتباطی سهم در اختیار ما نخواهد بود. معذک در شمال چین ما با سرسختی مبارزه خواهیم کرد و از هیچ کوششی نخواهیم ایستاد برای آنکه هر آنچه که ممکن است بدست آوریم. در جریان دو هفته گذشته ارتش ما ۹۰ شهر بزرگ و کوچک و همچنین مناطق وسیع روستائی را آزاد ساخت. هم اکنون مجموعاً ۱۷۵ شهر ( از آنجمله شهرهائی که از سابق در تصرف ما بود ) در دست ماست.

---

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای داخل حزب، اثر رفیق مائو تسه دون که دو روز پیش از مسافرت وی به چون چینگ برای مذاکرات صلح با گومیندان نگاشته شده است. از آنجائی که حزب کمونیست چین و توده‌های وسیع خلق چین با تشبثات چانگکایشک بمنظور بر افروختن جنگ داخلی مصممانه مبارزه

این خود پیروزی بزرگی است . در شمال چین ارتش ما وی های وی ،  
 یین تای ، لون کو ، ای دو ، زی چوان ، یان لیو چینگ ، بی که چی ،  
 بوه آی ، جان جیا کو ، جی نین ، فون جن و نقاط دیگر را آزاد نمود .  
 نیروی ارتش ما شمال چین را بحرکت در میاورد و این خود به همراه با  
 پیشروی صاعقه آسای ارتش شوروی و ارتش مغولستان در جهت دیوار  
 بزرگ حزب ما را در موقعیت مساعدی قرار میدهد . لازم است از این  
 پس نیز در طول دوران معینی به تعرض خود ادامه دهیم و از تمام  
 امکانات استفاده کنیم برای آنکه خط آهن بی بین - سوی یوان ، بخش  
 شمال خط آهن دا تون - پو جو ، خطوط آهن جن دین - تای یوان ،  
 ده جو - شی جیا جوان ، بای گوی - جین جن و دائو کو - چینگ  
 هوا را بتصرف در آوریم ، خطوط آهن بی بین - لیائو نین ، بی

میکردند ، از آنجائی که امپریالیسم آمریکا در آنموقع هنوز نتوانست افکار محافل  
 دموکراتیک جهانی را که یک دل و یک زبان علیه سیاست جنگ داخلی و دیکتاتوری  
 چانکایشک بود ندیده بگیرد ، چانکایشک سه بار در روزهای ۱۴ ، ۲۰ و ۲۳  
 اوت ۱۹۴۵ به رفیق مائو تسه دون تلگراف کرد و او را برای مذاکرات صلح به چون  
 چینگ دعوت نمود . ۲۷ اوت هارلی که در آن زمان سفیر اتازونی در چین  
 بود برای همین منظور به یین ان آمد . برای آنکه تمام کوشش های ممکن در  
 راه نیل به صلح بعمل آید و در عین مبارزه بخاطر صلح سیمای حقیقی امپریالیسم  
 آمریکا و چانکایشک آشکار گردد ، چیزی که بسود وحدت و پرورش توده های  
 وسیع مردم بود ، حزب کمونیست چین تصمیم گرفت رفقا مائو تسه دون ، جوئن لای  
 و وان ژوه فی را برای مذاکرات صلح به چون چینگ اعزام دارد . در این اطلاعیه سیر  
 حوادث در چین ، در طول دو هفته ای که از اعلان ژاپن دائر به تسلیم خود میگذشت  
 مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد . در اطلاعیه خط مشی کمیته مرکزی حزب  
 کمونیست چین در مورد مذاکرات صلح ، گذشتہائی که ممکن است در جریان

پین - حان کو ، تیانزین - پو کو ، چینگ دائو - جی نان ، لون های و شانگهای - نانکن را قطع کنیم و در هر جایی که ممکن است ولو بطور موقت کنترل خود را برقرار نمائیم . در عین حال باید نیروهای لازم را به تصرف هر چه بیشتر دهات ، قرا ، و مراکز بخش و شهرستان بگماریم . مثلاً ارتش چهارم جدید بسیاری از شهرها را در ناحیه میان نانکن و دریاچه تای هو و کوهستان تیان مو و همچنین در ناحیه بین رودخانه های یان تسه و حوای اشغال کرد ؛ در استان شان دون سپاهیان ما تمام شبه جزیره شان دون را اشغال نمودند ؛ در منطقه شان سی - سوی یوان ارتش ما شهرهای بسیاری را در جنوب و شمال خط آهن بی پین - سوی یوان بتصرف در آورد . اینها همه وضع فوق العاده مساعدی بوجود آورده است . حزب ما هرگز تعرض خود

مذاکرات با آنها دست زد و اقدامات حزب متناسب دو سرنوشت ممکن مذاکرات تشریح میشود . در اطلاعیه رهنمودهای اصولی داده میشود در باره اینکه چگونه باید مبارزه را در مناطق آزاد شده شمال و شرق چین و در مناطق آزاد شده مرکز و جنوب چین دنبال کرد . در اطلاعیه گفته میشود که حزب نباید بسبب این مذاکرات در مورد چانگکایشک هوشیاری را از دست بدهد و از مبارزه با او بکاهد . رفیق مائو تسه دون و رفقای دیگر ۲۸ اوت به چون چینگ وارد شدند و در آنجا مدت ۴۳ روز با گومیندان مذاکره پرداختند . اگرچه در نتیجه این مذاکرات فقط «خلاصه مذاکرات میان نمایندگان گومیندان و حزب کمونیست» (یعنی « موافقت نامه ۱۰ اکتبر ») انتشار یافت ، معذک مذاکرات موفقیت آمیز بود باین معنی که حزب کمونیست در وضع سیاسی بسیار مساعدی قرار داشت و گومیندان در وضعی نامساعد . رفیق مائو تسه دون ۱۱ اکتبر به پین ان بازگشت و رفقا جوئن لای و وان ژوه فی برای ادامه مذاکرات در چون چینگ باقی ماندند . در باره نتایج مذاکرات به مقاله « درباره مذاکرات چون چینگ » منتشر در همین جلد مراجعه شود .

را هنوز مدتی ادامه دهد خواهد توانست کنترل خود را بر بخش اعظم مناطق شمالی رودخانه سفلی یان تسه و رودخانه حوای ، بر بخش اعظم استان های شان دون ، حه به ، شان سی و سوی یوان ، بر تمام سرزمین استان های ژه هه و چاهار و همچنین بر بخشی از استان لیائو نین برقرار سازد.

اکنون که اتحاد شوروی ، اتازونی و انگلستان جنگ داخلی را در چین تأیید نمیکنند (۱) ، و حزب ما سه شعار بزرگ صلح ، دموکراسی و وحدت (۲) را به پیش کشیده و رفقا مائو تسه دون ، جوئن لای و وان ژوه فی را برای بحث با چانکایشک در مسائل مهمی نظیر وحدت ملی و ساختمان دولتی به چون چینگ اعزام میدارد ، ممکن است نقشه های اهریمنی مرتجعین چینی را بخاطر برانگیختن جنگ داخلی نقش بر آب ساخت . اگرچه گویندگان با تصرف شهرهای شانگهای ، نانکن و شهرهای دیگر ، با دست یافتن به دریا ، بغنیمت گرفتن اسلحه دشمن و وارد ساختن سپاهیان پوشالی در ارتش خود ، توانسته است تا حدودی مواضع خود را استحکام بخشد ، معذک مانند سابق هزاران زخم التیام ناپذیر پیکر آنها میپوشانند ، تضادهای درونی متعددی از درون آنها میخورند و مشکلات بزرگی آنها فرا گرفته اند . امکان دارد که گویندگان پس از مذاکرات ، در زیر فشار نیروهای داخلی و خارجی تحت شرایط معینی موقعیت حزب ما را برسمیت بشناسد و حزب ما نیز تحت شرایط معینی موقعیت گویندگان را برسمیت بشناسد . در اینصورت مرحله جدیدی از همکاری دو حزب (بااضافه جامعه دموکراتیک (۳) وغیره) و تکامل مسالمت آمیز آغاز خواهد شد . حزب ما در چنین وضعی باید با پیگیری تمام شیوه های مبارزه قانونی را فرا گیرد و کار خود را در مناطق گویندگان در قسمتهای سدگانه : شهرها ، دهات و ارتش ( و اینها نقاط ضعیف



کار ما میباشد) تشدید نماید. در جریان مذاکرات، گومیندان یقیناً از ما خواهد خواست که بمیزان زیاد از وسعت مناطق آزادشده بکاهیم، تعداد ارتش آزادیبخش را تقلیل دهیم و از انتشار اسکناس خودداری ورزیم. ما آماده‌ایم به گذشت‌هایی که ضرورت اقتضا کند و بمنافع اساسی خلق زیان نرساند دست‌زنیم. بدون چنین گذشت‌هایی نمیتوان نقشه‌های اهریمنی گومیندان را بمنظور برانگیختن جنگ داخلی عقیم ساخت، نمیتوان ابتکار سیاسی را در دست گرفت، نمیتوان علاقه و توجه افکار عمومی جهان و عناصر بینایی را در درون کشور بخود جلب کرد، نمیتوان برای حزب ما وضع قانونی بدست آورد، نمیتوان به حفظ صلح در درون کشور توفیق یافت. معذک گذشت حدودی دارد؛ باید اصول را مراعات کرد و منافع اساسی خلق را از دستبرد مصون داشت. پس از آنکه حزب ما گام‌های فوق‌الذکر را برداشت، گومیندان اگر بازهم در براه انداختن جنگ داخلی لجاج ورزد، در پیشگاه خلق کشور و مردم جهان گناهکار شناخته خواهد شد و حزب ما حق خواهد داشت برای دفاع از خویش بجنگ برخیزد و حملات آنرا درهم شکند. بعلاوه حزب ما دارای نیروی عظیمی است. در صورت حمله دشمن اگر شرایط برای نبرد مساعد باشد، در موضع دفاع از خویش قرار خواهد گرفت و دشمن را با قاطعیت، از بیخ و بن و تمام و کمال نابود خواهد کرد (نباید سبکسرانه به نبرد پرداخت؛ نبرد را هنگامی باید آغازید که پیروزی بر دشمن مسلم است). هیچگاه نباید از منظره هراس‌انگیز نیروهای ارتجاعی ییمی بخود راه داد. باید به اصول زیر اکیداً پای‌بند بود و هرگز آنها را بدست فراسوشی نسپرد؛ وحدت و مبارزه، وحدت از راه مبارزه؛ حق داشتن، سود جستن و اندازه نگه‌داشتن؛ بهره‌برداری

از تضادها ، جلب اکثریت و مبارزه با اقلیت و درهم شکستن یکایک دشمنان (۴) .

در استانهای گوان دون ، هونان ، حوبه و حه نان نیروهای حزب ما در موقعیت پس دشوارتری قرار گرفته‌اند تا در شمال چین و ناحیه میان دو رودخانه یان تسه و حوای . کمیته مرکزی برای این رفاقا مهر و علاقه عمیقی احساس میکند . معذک در سرزمینهای وسیع مناطق گومیندان نقاط ضعیف بسیار است و این رفاقا اگر در سیاست نظامی ( عملیات جنگی و غیره ) و سیاست وحدت توده‌های مردم مرتکب اشتباهات جدی نشوند ، فروتن باشند ، جانب حزم و احتیاط را نگاه دارند ، بخود غره نشوند و سبکسری بخرج ندهند کاملاً خواهند توانست بر وضع خویش راه خروجی بیابند . رفاقانی که در این مناطق فعالیت دارند ، علاوه بر دریافت رهنمودهای لازم از جانب کمیته مرکزی باید مستقلاً وضع را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند ، مسائل خود را حل کنند ، بر دشواریها غلبه نمایند ، نیروهای خود را حفظ کنند و توسعه دهند . هرگاه گومیندان علیه شما نتواند دست به کاری زند ، ممکن است در جریان مذاکرات میان دو حزب خود را مجبور بیند که نیروهای شما را برسمیت بشناسد و با راه حلی موافقت کند که بسود هر دو طرف است . معذک شما نباید هیچگاه به مذاکرات دل به بندید و در انتظار نیکخواهی گومیندان باقی بمانید ، چه در گومیندان هرگز اثری از نیکخواهی نبوده و نیست . اتکاء شما باید به نیروهای خودتان ، به رهبری صحیح عملیات ، بوحدت برادرانه در درون حزب و به حسن مناسبات با توده‌های مردم باشد ، راه خروج شما در اینست که با عزمی راسخ بر خلق تکیه کنید . بطور خلاصه حزب ما در برابر مشکلات بسیاری قرار گرفته که

نباید از نظر فرو گذارد . برای مواجهه با آنها همه اعضای حزب ما باید از لحاظ روحی کاملاً آماده باشند . معذک وضع بین‌المللی و داخلی بطور کلی مساعد بحال حزب ما و خلق است و تا زمانی که صفوف حزب متحد و بهم فشرده است ، حزب بتدریج بر تمام مشکلات فائق خواهد آمد .

### یادداشتها

- ۱ - در آستانه تسلیم ژاپن و تا مدتی بعد از آن اتحاد شوروی ، اتازونی و انگلستان اعلام میداشتند که جنگ داخلی را در چین تأیید نمیکنند . اما بزودی حوادث نشان دادند که اظهارات نمایندگان اتازونی دائر بر اینکه گویا جنگ داخلی را در چین تأیید نمیکنند فقط پرده‌ای بود برای اینکه در پشت آن کمک فعال اتازونی را به دولت ارتجاعی گومیندان بمنظور تدارک جنگ داخلی پنهان نگاه دارند .
- ۲ - سه شعار صلح ، دموکراسی و وحدت از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در « بیانیه درباره وضع حاضر » مورخ ۲۵ اوت ۱۹۴۵ به پیش کشیده شد . بیانیه اشاره میشود که پس از تسلیم امپریالیسم ژاپن « مهم‌ترین وظیفه‌ای که در برابر تمام ملت قرار گرفته تحکیم وحدت در درون کشور ، تأمین صلح داخلی ، استقرار دموکراسی و بهبود زندگی خلق است ، برای آنکه بر اساس صلح ، دموکراسی و وحدت بتوان به امر اتحاد در سراسر کشور تحقق بخشید و یک چین نو ، مستقل ، آزاد ، شکوفان و نیرومند بنا کرد » .
- ۳ - جامعه دموکراتیک در سال ۱۹۴۱ تأسیس شد و در آغاز جامعه سازمانهای سیاسی دموکراتیک چین نام داشت . در ۱۹۴۴ تجدید سازمان کرد و نام جامعه دموکراتیک چین بخود گرفت .
- ۴ - مراجعه شود به « مسایل تاکتیک کنونی در جبهه متحد ضد ژاپنی » و « درباره سیاست » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد دوم .



## درباره مذاکرات چون چینگ

( ۱۷ اکتبر ۱۹۴۵ )

کمی از وضع کنونی سخن گوئیم . این مسئله ایستکه رفقای ما را بخود مشغول میدارد . این بار مذاکرات میان گومیندان و حزب کمونیست در چون چینگ ۳ ، ۴ روز بطول انجامید . نتایج آن هم اکنون در روزنامه ها انتشار یافته است (۱) . نمایندگان هر دو حزب هنوز بمذاکرات خود ادامه میدهند . مذاکرات ثمراتی ببار آورده است . گومیندان اصول صلح و وحدت را پذیرفته ، پاره ای حقوق دموکراتیک خلق را برسمیت شناخته و قبول کرده است که باید از جنگ داخلی پرهیز شود و هر دو حزب در محیط صلح برای ساختمان چین نو با یکدیگر همکاری کنند . اینها است نکاتی که بر روی آنها توافقی حاصل آمده است . نکات دیگری هست که بر روی آنها توافقی بدست نیامده است . مسئله مناطق آزادشده راه حلی پیدا نکرده ، مسئله نیروهای مسلح نیز هنوز در واقع حل نشده است . موافقت نامه حاصله نیز فقط بر روی کاغذ است . آنچه

---

گزارش رفیق مائو سه دون به جلسه ای از کادرها در ین ان پس از بازگشت از چون چینگ .

روی کاغذ است با واقعیت برابر نیست . حوادث نشان میدهد که برای تحقق آنها هنوز باید به کوشش بسیاری دست زد .

گومیندان از یکسو با ما مذاکره میکند و از سوی دیگر مناطق آزادشده را بشدت مورد حمله قرار میدهد . سپاهیان گومیندان که مستقیماً در این تعرض درگیر شدهاند ، صرفنظر از نیروهائی که گرداگرد منطقه سرحدی شنسی - گان سو - نین سیا مستقر گردیدهاند هم اکنون به هشت صد هزار تن بالغ میگردند . هر کجا که منطقه آزادشدهای هست نبرد درگیر میشود یا تدارک میشود . معدلك ماده اول « موافقتنامه ۱۰ اکتبر » درباره « صلح و ساختمان ملی » است . آیا این کلمات که بر روی کاغذ آمده با واقعیت در تضاد نیست ؟ مسلماً که هست . بهمین جهت است که ما میگوئیم که برای به تحقق در آوردن آنچه که بر روی کاغذ است ، هنوز باید به کوشش هائی دست زنیم . بچه دلیل گومیندان تا این اندازه به بسیج سپاهیان میپردازد برای آنکه ما را مورد تعرض قرار دهد ؟ برای آنکه بدتهاست تصمیم خود را دایره امحاء نیروهای توده‌ای و نابود ساختن ما گرفته است . برای گومیندان بهتر آنست که ما را بسرعت نابود سازد ؛ اگر به این کار موفق نشود ، لااقل میخواهد ما را در وضع نامناسبتری قرار دهد و وضع را بحال خود مساعدتر سازد . بنابراین مسئله صلح اگرچه در موافقتنامه گنجانیده شده هنوز در عمل بتحقق نپیوسته است . در حال حاضر در پاره‌ای از نواحی مانند منطقه شان دان در شان سی عملیات جنگی دامنه وسیعی بخود گرفته‌است . در فاصله میان کوه‌های تای هان ، تای یوه و جون تیائو جلگه پستی است که همان منطقه شان دان است . در این جلگه ماهی و گوشت یافت میشود و بین سی شان برای تصرف آن ۱۳ لشکر به آنجا گسیل داشته است . سیاست ما

نیز مدتهاست معین شده و بر این پایه مبتنی است که هر ضربه را با ضربه‌ای پاسخ گوئیم و برای هر وجب زمین بچنگیم. این بار ما به حمله متقابل دست زدیم، جنگیدیم، و بسیار خوب هم جنگیدیم. عبارت دیگر ما آن ۱۳ لشکر را کاملاً نابود ساختیم. نیروهای تعرضی دشمن شامل ۳۸,۰۰۰ سرباز بود و ما با ۴۱,۰۰۰ تن در نبرد شرکت جستیم. در این ۳۸,۰۰۰ تن ۳۵,۰۰۰ آن نابود گردیدند، دو هزار تن فرار کردند و یک هزار نفر پراکنده شدند (۲). ما از این پس نیز بهمین شیوه خواهیم جنگید. گویندگان با نوسیدی میکوشد سرزمینهای مناطق آزادشده ما را بتصرف در آورد. بنظر میرسد که این امر توضیح پذیر نیست. چرا گویندگان برای تصرف این سرزمینها اینقدر سماجت بخرج میدهد؟ مگر این خوب نیست که مناطق آزادشده در دست ماست، در دست خلق است؟ اما این شیوه تفکر ماست، شیوه تفکر خلق است. اگر گویندگان نیز اینگونه میاندیشید وحدت تأمین میگردید و همه باهم "رفیق" میبودیم. اما او چنین میاندیشد و با لجاجت بمقابله با ما برمیخیزد. او دلیلی نمیبیند برای آنکه با ما بمقابله برنخیزد. بنابر این طبیعی است که ما را مورد حمله قرار دهد. ما نیز بنوبه خود دلیلی نمیبینیم بر اینکه اجازه بدهیم مناطق آزادشده بتصرف او در آید. بنابر این طبیعی است که ما نیز به حمله متقابل پردازیم. هر گاه دو مدعای مخالف در برابر یکدیگر قرار گیرند آنگاه جنگ در خواهد گرفت و انگهی اگر سخن بر سر دو مدعای مخالف است بچه دلیل مذاکرات صورت گرفت و برای چه «مواقفت نامه ۱ اکتبر» انعقاد یافت؟ در جهان پدیده‌ها بفرنج اند، تعیین آنها بر اثر عوامل بسیاری است. ما باید هر مسئله را از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه قرار دهیم و نه فقط از یک جنبه آن. در چون چینگ برخی

بر آنند که چانکایشك آدمی بیوفا و فریبکار است و مذاکرات با او نمیتواند به نتیجه‌ای بیانجامد. این است آنچه که سردمان بسیاری در ملاقات خود با من گفتند، در میان آنها اعضاء گومیندان نیز وجود داشت. من در پاسخ گفتم که نظر آنها موجه و مستدل است و هجده سال تجربه (۳) ما را به این اعتقاد راسخ رسانید که کاملاً همین طور است. امر مسلمی است که مذاکرات میان گومیندان و حزب کمونیست بناکامی خواهد انجامید، امر مسلمی است که آنها بجنگ خواهند پرداخت و کار آنها به بریدگی از یکدیگر خواهد کشید. ولی این فقط يك جنبه مسئله است. جنبه دیگری نیز هست. هنوز عوامل بسیاری وجود دارند که ممکن نیست چانکایشك آنها بحساب نیاورد. در میان این عوامل سه عامل مهم عبارتند از قدرت مناطق آزادشده، مخالفت خلق در پشت جبهه بزرگ با جنگ داخلی و وضع بین‌المللی. در مناطق آزادشده ما صد میلیون جمعیت، يك سیلیون سرباز و دو میلیون چریک توده‌ای است یعنی آنچنان نیروئی که هیچکس جرأت نمیکند اهمیت آنها ناچیز بشمرد. وضع حزب ما در زندگی سیاسی ملت دیگر آن نیست که در ۱۹۲۷ بود، دیگر آن نیست که در ۱۹۳۷ بود. گومیندان که هیچگاه برای حزب کمونیست وضع مساوی الحقوقی برسمیت نشناخته اکنون به اینکار مجبور شده است. آنچه را که ما در مناطق آزادشده بتحقق در آورده‌ایم، تمام چین و سراسر جهان را تحت تأثیر گرفته است. خلق پشت جبهه بزرگ خواهان صلح و دموکراسی است. اخیراً در چون چینگ من عمیقاً احساس کردم که توده‌های وسیع خلق با شور و شوق از ما پشتیبانی میکنند؛ آنها از حکومت گومیندان ناراضی‌اند و همه امید خود را بما بسته‌اند. بعلاوه من با خارجیان بسیاری و از آنجمله آمریکائیان برخورد



کردم که نسبت به ابراز علاقه فراوانی میکنند . توده‌های وسیع مردم در کشورهای خارج از نیروهای ارتجاعی چین ناراضی‌اند و نسبت به نیروهای توده‌ای چین علاقه نشان میدهند . آنها سیاست چانکایشک را مردود می‌شمارند . ما در سراسر کشور و سراسر جهان دوستان بسیاری داریم ، ما تنها نیستیم . تنها خلق مناطق آزادشده ما نیست که علیه جنگ داخلی و خواهان صلح و دموکراسی است ، توده‌های وسیع مردم در پشت جبهه بزرگ و در سراسر جهان نیز علیه جنگ داخلی و خواهان صلح و دموکراسی‌اند . از لحاظ ذهنی چانکایشک می‌خواهد دیکتاتوری خود را حفظ کند و حزب کمونیست را از میان بردارد ، ولی از لحاظ عینی مشکلات بسیاری بر سر راه او است و بنا بر این باید ناچار اندکی رآلیست باشد . حال که او می‌خواهد رآلیست باشد ما نیز بنوبه خود رآلیست هستیم . او خود را رآلیست نشان داد و از ما دعوت کرد ؛ ما نیز که دعوت او را بپذیریم رآلیست بودیم . ما ۲۸ اوت به چون چینگ رسیدیم . شب هنگام ۲۹ اوت من به نمایندگان گویندگان گفتم که کشور از موقع حادثه ۱۸ سپتامبر پیوسته به صلح و وحدت احتیاج داشته است . این آن چیزی است که ما می‌خواستیم بدون آنکه شاهد اجرای آن باشیم . صلح و وحدت فقط پس از حادثه سی‌ان و پیش از جنگ مقاوت که ۷ ژوئیه ۱۹۳۷ آغاز گردید بتحقق پیوست . طی هشت سالی که این جنگ بطول انجامید ما باتفاق علیه ژاپن بجنگ پرداختیم . ولی هیچگاه جنگ داخلی متوقف نگردید ، بدون وقفه تصادماتی کم و بیش مهم روی داد . اگر انکار شود که این جنگ داخلی نبود فریب‌کاری است و با واقعیت تطبیق نمیکند . در جریان این هشت سال ما بارها تمایل خود را ب مذاکره ابراز داشتیم . در هفتمین کنگره حزب نیز

اعلام کردیم : "حاضریم هر موقع که مقامات گومیندان برای دست کشیدن از سیاست غلط کنونی از خود آمادگی نشان دهند و با اصلاحات دموکراتیک موافقت کنند، با آنها مذاکرات را از سر بگیریم" (۴). ما در مذاکرات خود بر آن بودیم که اولاً چین به صلح نیازمند است، ثانیاً چین به دموکراسی احتیاج دارد. چانکاپشک نتوانست هیچ خرده‌ای بگیرد و مجبور شد از در موافقت در آید. سیاست صلح و توافق‌هایی درباره دموکراسی که در «خلاصه مذاکرات» انتشار یافته از یکسو کلماتی است بر روی کاغذ که هنوز بتحقیق نپیوسته و از سوی دیگر ثمره تأثیر نیروهای مختلفی است. آنچه که گومیندان را وادار به قبول آنها نموده، نیروی خلق در مناطق آزادشده، نیروی خلق در پشت جبهه بزرگ، وضع بین‌المللی و خلاصه جریان عمومی حوادث است.

روش "جواب ضربه با ضربه" وابسته به موقعیت است. گاهی پذیرفتن مذاکرات جواب ضربه با ضربه است، گاهی نیز پذیرفتن مذاکرات جواب ضربه با ضربه است. ما در سابق حق داشتیم که بعداً گره نرفتیم، این بار نیز حق داریم که بعداً گره میرویم. در هر دو حالت روش ما جواب ضربه با ضربه است. این بار ما کار خوبی کردیم که رهسپار مذاکرات شویم، برای آنکه ما توانستیم دروغهای گومیندان را دایر بر اینکه حزب کمونیست خواهان صلح و وحدت نیست افشا کنیم. گومیندان برای دعوت از ما پی در پی سه تلگراف فرستاد و ما رهسپار آنجا شدیم. اما گومیندان هیچ تدارکی ندیده بود و همه پیشنهادات را میبایستی ما میدادیم. نتیجه مذاکرات این شد که گومیندان سیاست صلح و وحدت را پذیرفت. بسیار خوب است. اگر گومیندان در براه انداختن جنگ داخلی پافشاری کند، عدم حقانیت خود را در انظار

تمام ملت و سراسر جهان عیان خواهد ساخت و ما دلائل بیشتری خواهیم داشت تا برای دفاع از خود بجنگ برخیزیم و حملات او را درهم شکنیم . اکنون که « موافقت نامه . ۱ اکتبر » انعقاد یافته وظیفه ما آنست که از آن دفاع کنیم ، از گومیندان بخواهیم پیمان خود را نگاه دارد و مبارزه بخاطر صلح را همچنان ادامه دهیم . اگر گومیندان جنگ را آغاز کند ، ما آنها را یکباره نابود خواهیم ساخت . جریان امر بدینصورت است : او بما حمله میکند ، ما نابودش میسازیم ، او راضی است . اگر قسماً نابود گردد قسماً راضی است ؛ هر چه نابودی او بیشتر باشد ، بیشتر راضی است ؛ اگر کاملاً نابود شود ، کسلاً راضی است . مسائل چین بفرنج و پیچیده اند ، افکار ما نیز باید تا حدودی بفرنج باشد . اگر آنها نبرد را آغاز کنند ، ما میجنگیم ، ما بخاطر صلح میجنگیم . اگر ما به مرتجعینی که جرأت میکنند به مناطق آزادشده حمله برند ضربات سختی وارد نیاوریم صلح بدست نخواهد آمد .

رفقائی سؤال میکنند چرا ما باید هشت منطقه آزادشده را واگذار کنیم (۵) . البته بسیار حیف است که این هشت منطقه را تفویض کنیم ولی بهتر است باین اقدام دست بزنیم . چرا حیف است ؟ برای اینکه خلق به بهای خون خویش و عرق جبین این مناطق را ایجاد کرده و با تحمل دشواریها آنها را ساخته است . بنا بر این در مناطقی که واگذار میشود باید برای خلق وضع را با وضوح تمام توضیح داد و اقدامات مقتضی را معمول داشت . چرا باید این مناطق را واگذار کرد؟ برای آنکه در غیر اینصورت گومیندان احساس راحتی نخواهد کرد . گومیندان به نانکن بر میگردد ولی بعضی از مناطق آزادشده جنوبی در نزدیکی بستر او یا در راهرو او است . تا هنگامیکه ما در آنجا هستیم ،

گویندگان راحت نخواهد خوابید و بهر صورت بر سر آنها با ما بمنازعه بر خواهد خاست. گذشته‌های ما در این زمینه بناکامی توطئه جنگ داخلی گویندگان کمک خواهد کرد و ما توجه و علاقه عده بسیاری از عناصر میانه حال را در داخل کشور و در خارج از آن جلب خواهیم نمود. کلیه ارگانهای تبلیغاتی کشور بجز خبرگزاری سین هوا فعلاً زیر نظارت گویندگان قرار دارند و همه آنها کارخانه‌های جعل اکاذیب‌اند. در مورد مذاکرات این ارگانها شایعات غلطی انتشار دادند دائر بر اینکه حزب کمونیست فقط در دنبال منازعه بر سر زمینها است و نمیخواهد به گذشته‌هایی دست زند. سیاست ما مبتنی است بر حفظ منافع اساسی خلق. تا آنجائی که این اصل محترم شمرده شود که منافع اساسی خلق از هرگونه گزندی مصون ماند توسط به پاره‌ای گذشته‌ها مجاز است برای آنکه در عوض صلح و دموکراسی که قاطبه خلق بدان احتیاج دارد تأمین شود. در گذشته نیز هر موقع که ما با چانکایشک سروکار پیدا کردیم، در برابر او به گذشته‌هایی دست زدیم، حتی به گذشته‌های بزرگتری. در ۱۹۳۷ برای آنکه تمام ملت در جنگ مقاومت ضد ژاپنی درگیر شود، ما به ابتکار خود نام دولت انقلابی کارگری - دهقانی را حذف کردیم، نام ارتش انقلابی ملی را بر جای نام ارتش سرخ نشانیدیم و سیاست خود را دائر بر مصادره زمینهای مالکان ارضی به سیاست تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود تغییر دادیم. این بار ما با واگذاری بعضی از مناطق جنوب شایعات دروغ گویندگان را در پیشگاه تمام خلق چین و کلیه خلقهای سراسر جهان کاملاً فاش کردیم. مسئله نیروهای مسلح نیز همینطور است. گویندگان در تبلیغات خود میگویند که کوشش حزب کمونیست فقط بر سر تفنگ است. ما گفتیم که آماده‌ایم گذشت

کنیم . در ابتدا ما پیشنهاد کردیم نیروهای کنونی خود را تا ۴۸ لشکر یعنی تقریباً يك ششم نیروهای مسلح کشور تقلیل دهیم چون گومیندان ۲۶۳ لشکر در اختیار دارد . سپس ما پیشنهاد کاهش جدیدی دادیم تا ۴۳ لشکر یعنی يك هفتم نیروهای مسلح کشور . گومیندان اعلام داشت نیروهای خود را تا ۱۲۰ لشکر تقلیل خواهد داد . ما گفتیم که با همین تناسب ما خواهیم توانست نیروهای خود را تا ۲۴ و حتی ۲۰ لشکر تقلیل دهیم که همان نسبت يك هفتم است . در ارتش گومیندان نسبت افسران به سربازان بسیار بزرگ است و مجموعه نفرات هر يك از لشکرهای او به شش هزار هم نمیرسد . ما با ۱,۲۰۰,۰۰۰ سربازی که داریم خواهیم توانست دوستان لشکر نظیر لشکرهای گومیندان تشکیل دهیم . ولی ما اینکار نمیکنیم . بدین ترتیب گومیندان دیگر چیزی ندارد بگوید و شایعات دروغ او هم نقش بر آب میشوند . اما آیا ما اسلحه خود را به گومیندان تسلیم خواهیم کرد ؟ بهیچوجه . اگر ما اسلحه خود را به گومیندان تسلیم کنیم آیا او اسلحه زیادتری در اختیار نخواهد داشت ؟ باید اسلحه خلق را بتمامی حفظ کرد ولو آنکه يك قبضه تفنگ و يك دانه فشنگ باشد ؛ اسلحه را نباید تسلیم کرد .

این بود آنچه که میخواستم در باره وضع کنونی با رفقا در میان گذارم . وضع کنونی از طریق تضادهای متعددی تکامل مییابد . چرا مذاکرات میان گومیندان و حزب ما در مورد بعضی نکات به توافق رسید و در مورد بعضی دیگر به توافق نیانجامید ؟ برای چه « خلاصه مذاکرات » از صلح و وحدت سخن میرود در حالیکه عملاً نبرد همچنان ادامه دارد ؟ بعضی از رفقا از درك این تضادها ناتواناند . هدف توضیحات من پاسخ دادن به این سئوالات است . پاره‌ای از رفقا نمیتوانند درك کنند

که چرا ما بمذاکره یا چانکایشک رضایت دادیم در حالیکه او همیشه ضد کمونیست و ضد خلق بوده و هست . حزب ما در کنگره هفتم خود تصمیم گرفت که ما برای مذاکرات با چانکایشک هر گاه او سیاست خود را تغییر دهد آماده‌ایم . آیا این تصمیم درست بود ؟ کاملاً درست بود . انقلاب چین انقلابی طولانی است و پیروزی را فقط میتوان گام بگام بدست آورد . آینده چین وابسته به مساعی ماست . در حدود شش ماه ، وضع نامعلوم باقی میماند . ما باید بر مساعی خود بیفزائیم تا وضع بتواند در جهت مساعد بحال تمام خلق تکامل یابد .

اکنون چند کلمه نیز درباره کار خودمان اضافه کنیم . در میان رفقای حاضر عندهای بسوی جبهه رهسپار خواهند گشت . بسیاری از رفقای ما سرشار از شور و شوق‌اند و برای رفتن به جبهه بر یکدیگر سبقت میگیرند . این روحیه فعال و این شور و شوق بسیار با ارزش است . اما رفقای نیز هستند که افکار نادرستی دارند . آنها در این فکر نیستند که در جبهه مشکلات بسیاری در پیش است و باید بر آنها غلبه کرد ، آنها تصور میکنند که در آنجا کارها بخوبی و خوشی خواهد گذشت ، وضع آنها نیز بهتر ازین ان خواهد بود . آیا کسانی نیستند که اینگونه فکر میکنند ؟ گمان میکنم هستند . من به این رفقا توصیه میکنم که افکار خود را اصلاح کنند . رفتن به جبهه برای کار کردن است . کار چیست ؟ کار مبارزه است . در آن نقاط مشکلات و سائلی وجود دارد که حل آن بر عهده ماست . برای غلبه بر این مشکلات است که ما بآنجا رفته کار و مبارزه میکنیم . رفیق خوب آن کسی است که بیشتر مایل به عزیمت بآن محلی باشد که از همه جا بیشتر مشکلات دارد . در جبهه کار دشوار است . کار دشوار بمثابه باری است که در برابر ماست و میخواهد

ما را بیازماید که آیا میتوانیم آنرا بر دوش گیریم . بعضی بارها سبک‌اند و برخی سنگین . سردمائی هستند که بار سبک را بر بار سنگین ترجیح میدهند ، بار سبک را انتخاب میکنند و بار سنگین را برای دیگران میگذارند . این رفتار خوبی نیست . رفقائی دیگر رفتار دیگری دارند ، آنها راحتی و خوشی را بدیگران واسیگذارند و خود بارهای سنگین را بدوش میکشند ؛ آنها در تحمل مصائب در صفوف مقدم‌اند و در برخورداری از راحتی و آسایش در صفوف آخر . اینها رفقائی خوبی هستند . ما همه باید از روحیه کمونیستی آنها سرمشق بگیریم .

بسیاری از کادرهای محلی وطن خود را برای رفتن به جبهه ترك میگویند . و بسیاری دیگر نیز که از زادگه خود در جنوب ، به یمن آن آمده‌اند بسوی جبهه رهسپار میشوند . تمام رفقائی که به جبهه میروند باید از لحاظ روحی آماده باشند بقسمی که وقتی بدانجا رسیدند بتوانند ریشه بگیرند ، گل دهند و میوه آورند . ما کمونیستها مانند دانه‌ایم و خلق مانند زمین . همین که به محلی رسیدیم باید با خلق یکی شویم ، در میان خلق ریشه بگیریم و گل دهیم . رفقائی ما هر کجا که بروند باید با توده‌ها مناسبات حسنه برقرار کنند ، نسبت به آنها همدردی نشان دهند و آنها را در غلبه بر مشکلات یاری نمایند . ما باید توده‌های وسیع مردم را با خود متحد کنیم و هر اندازه موفقیت ما در این امر بیشتر باشد ، بهتر است . بسیج بی‌پروای توده‌ها ، بسط و رشد نیروهای خلق برای آنکه بتوانند تحت رهبری حزب ما بر تجاوزکاران پیروز شوند و یک چین نو بسازند ، اینست سیاستی که هفتمین کنگره ما (۶) تعیین کرد و ما باید برای اجرای آن مبارزه کنیم . بر عهده حزب کمونیست و خلق است که امور چین را اداره کنند . ما اراده راسخ و وسیله داریم برای

آنکه صلح و دموکراسی را بتحقیق در آوریم . اگر اتحاد ما با تمام خلق بازهم نزدیکتر شود ، امور چین بخوبی پیشرفت خواهد کرد .

پس از جنگ دوم جهانی ، جهان بسوی آینده درخشانی پیش میرود . این گرایش عمومی است . کنفرانس وزرای خارجه پنج دولت بزرگ در لندن با شکست مواجه گردید (۷) ، آیا این بمعنای آنستکه جنگ جهانی سوم درگیر خواهد شد ؟ نه . اندکی فکر کنید ، چگونه جنگ سوم جهانی ممکن است بلافاصله پس از جنگ دوم درگیر شود؟ کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای سوسیالیستی سرانجام بر سر عده زیادی از مسائل بین‌المللی به سازشهایی خواهند رسید زیرا که سازش سودمند است (۸) . پرولتاریا و خلقهای سراسر جهان با جنگ ضد شوروی و ضد کمونیستی مخالف‌اند . طی سی سال اخیر دو جنگ جهانی بوقوع پیوسته است . میان نخستین و دومین جنگ جهانی پیش از بیست سال فاصله بود . طی نیم میلیون سالی که از تاریخ بشریت میگذرد فقط در سی سال اخیر جنگهای جهانی روی داده است . جهان پس از جنگ جهانی اول پیشرفتهای بزرگی کرده است و بدون شك پس از جنگ دوم پیشرفتهای بازهم سریعتری خواهد نمود . در دنبال نخستین جنگ جهانی اتحاد شوروی زاده شد و چند ده حزب کمونیست تأسیس گردیدند ، پدیده‌هایی که در تاریخ بیسابقه است . پس از پایان جنگ دوم جهانی اتحاد شوروی نیرومندتر گردید ، سیمای اروپا تغییر یافت ، آگاهی سیاسی پرولتاریا و خلقهای جهانی در سطح بمراتب بالاتری است و اتحاد نیروهای ترقیخواه سراسر جهان عمیق‌تر است . چین نیز در معرض تغییر سریع است . بارز است گرایش عمومی تکامل چین در جهت بهتر است و نه در جهت بدتر . دنیا در پیشرفت است ، آینده درخشان است و هیچکس



قادر نیست این سیر عمومی تاریخ را تغییر دهد. ما باید پیوسته ترقیات جهان و آینده تابناک آنرا به خلق بشناسانیم و از این راه بخلق کمک کنیم تا به پیروزی ایمان یابد. در عین حال ما باید بخلق و رفقای خود بگوئیم که راه ما پرپیچ و خم است. بر سر راه انقلاب هنوز موانع و مشکلات بسیاری است. هفتمین کنگره حزب ما پیش بینی کرده است که ما با مشکلات بسیاری مواجه خواهیم شد، ما ترجیح میدهیم مشکلات خود را بیش از آنچه خواهند بود بحساب بیاوریم. بعضی از رفقا ترجیح نمیدهند زیاد به مشکلات بیندیشند. اما مشکلات در زمره واقعیات اند، ما باید مشکلات را آن اندازه که هست باز شناسیم و از اینکه نسبت به آنها "روش نادیده گرفتن" در پیش گیریم بر حذر باشیم. ما باید وجود مشکلات را قبول کنیم، آنها را تجزیه و تحلیل کنیم و با آنها بمبارزه برخیزیم. در جهان راه راست نیست و ما باید آماده باشیم راه پرپیچ و خمی را دنبال کنیم بدون آنکه بخواهیم کاسیابی های ارزانی بدست آوریم. نباید تصور کرد که همه مرتجعین روزی از روزها خود بزانو در خواهند آمد. بطور اجمال آینده درخشان است و راه پرپیچ و خم. ما هنوز مشکلات بسیاری در برابر خود داریم که نباید نادیده انگاریم. اگر با قاطبه خلق بخاطر کوششی مشترک اتحاد بندیم یقیناً خواهیم توانست بر تمام مشکلات فائق گردیم و به پیروزی نائل آئیم.

### یادداشتها

۱ - سخن بر سر « خلاصه مذاکرات » است که بنام « موافقت نامه ۱۰ اکتبر » نیز نامیده میشود و در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۴۵ از طرف نمایندگان گویندگان و حزب

کمونیست چین بامضاء رسیده است . بطوری که در این « خلاصه مذاکرات » دیده میشود چانکایشک مجبور شد با «سیاست اساسی صلح و ساختمان ملی» که از طرف حزب کمونیست چین پیشنهاد شده بود ، موافقت کند و بپذیرد که «بر پایه صلح ، دموکراسی ، اتحاد و وحدت . . . بیک همکاری طولانی تحقق بخشد ، با قاطعیت از جنگ داخلی احتراز جوید و به بنای یک چین نو ، مستقل ، آزاد و شکوفا و نیرومند پردازد» و «دموکراتیزه کردن زندگی سیاسی ، ملی کردن ارتشها ، تساوی احزاب سیاسی و قانونی بودن آنها را بمشابه طرق و وسائل کاملاً لازم برای تحقق بخشیدن به صلح و ساختمان ملی» باز شناسد . او همچنین مجبور شد بپذیرد که سریعاً به قیومیت سیاسی گومیندان پایان دهد ، کنفرانس مشورتی سیاسی را دعوت کند ، «آزادی فرد و آزادیهای افکار ، زبان ، مطبوعات ، اجتماعات و اتحادیهها را آنطور که خلقهای کشورهای دموکراتیک در دوران صلح از آنها برخوردارند تضمین کند و بر طبق این اصل قوانین و تصویبهای جاری را ملغی سازد و یا تغییر دهد» ، سرویسهای مخفی را منحل نماید و «توقیف ، بازجوئی و مجازات را از طرف هر ارگانی که به دادگستری و پلیس وابسته نیست اکیداً ممنوع سازد» ، «زندانیان سیاسی را آزاد کند» ، «خودمختاری منطقه‌ای را فعالانه تحقق بخشد و به انتخابات همگانی از پائین به بالا دست زند» و غیره . معذک دولت چانکایشک از شناسائی وضع قانونی برای ارتش توده‌ای ، برای قدرت توده‌ای در مناطق آزادشده لجوجانه استنکاف ورزید ، به بهانه «وحدت فرماندهی نظامی» و «وحدت مقامات دولتی» گستاخانه کوشید ارتش توده‌ای و مناطق آزادشده‌ای را که در زیر رهبری حزب کمونیست است کاملاً از میان بردارد و بهمین جهت هیچ توافقی بر سر این مسئله صورت نگرفت . ما در زیر بعضی از قسمتهای «خلاصه مذاکرات» را که مربوط به مذاکره بر سر مسئله نیروهای مسلح و قدرت سیاسی در مناطق آزادشده است میآوریم . در «خلاصه مذاکرات» منظور از لفظ «دولت» دولت گومیندان است که چانکایشک در رأس آن قرار دارد .

«در مورد ملی کردن ارتش ، حزب کمونیست چین پیشنهاد زیر را داد :

بخاطر وحدت فرماندهی نظامی دولت باید بیک تجدید سازمان صحیح و منصفانه نیروهای مسلح کشور دست زند ، برنامه‌ای تعیین کند برای آنکه این امر طی مراحل انجام گیرد ، بعلاوه به مرزبندی جدید مناطق نظامی پردازد و سیستمی برای سربازگیری و تکمیل نفرات برقرار نماید . پس از آنکه این برنامه تعیین شد حزب کمونیست چین آماده خواهد بود سپاهیان ضد ژاپنی تحت فرماندهی خود را تا ۲۴ لشگر و حتی تا ۲۰

لشکر تقلیل دهد و سپس بسرعت به ترخیص سپاهیان ضد ژاپنی خود در هشت منطقه واقع در استان گوان دون ، جه جیان ، جنوب جیان سو ، ان هوی جنوبی ، ان هوی مرکزی ، حو نان ، حو به و حه نان ( بدون حه نان شمالی ) پردازد . حزب سپاهیان را که باید تجدید سازمان کند بتدریج از مناطق نامبرده بیرون خواهد برد تا آنها را در مناطق آزادشده جیان سوی شمالی ، ان هوی شمالی و در شمال خط آهن لون های متمرکز نماید . دولت اعلام داشت که برنامه تجدید سازمان سپاهیان در مقیاس ملی در دست تنظیم است و دولت آماده است که تجدید سازمان بیست لشکر سپاهیان ضد ژاپنی زیر رهبری حزب کمونیست چین را در نظر بگیرد ، هرگاه تمام مسائل مورد بحث در مذاکرات کاملاً حل شوند . در مورد مقر این سپاهیان دولت اضافه کرد که حزب کمونیست چین مختار است پیشنهاداتی تسلیم نماید که بعداً موضوع بحث و تصمیم قرار خواهند گرفت . حزب کمونیست چین پیشنهاد کرد که حزب کمونیست و نمایندگان نیروهای مسلح محلی او در کار شورای نظامی ملی و دوائر مختلف آن شرکت جویند ، دولت اجرای نظامنامه کادر را تضمین کند و افسران سر خدمت را در واحدهای تجدید سازمان یافته به درجات نظامی مختلف منصوب نماید ، افسرانی که پس از تجدید سازمان بخدمت در نیامده‌اند در مناطق مختلف برای تعلیمات توزیع شوند و یک سیستم صحیح و منصفانه تدارکات و همچنین یک برنامه تعلیمات سیاسی تعیین شود . دولت اعلام داشت که نسبت به این پیشنهادات ایرادی ندارد و حاضر است آنها را در جزئیات مورد بحث قرار دهد . حزب کمونیست چین پیشنهاد کرد که چریک توده‌ای مناطق آزادشده تماماً به صورت گاردهای محلی دفاع از خود سازمان یابد . دولت خاطر نشان ساخت که چنین سازمانی فقط میتواند در جایی در نظر گرفته شود که شرایط محلی آنرا ایجاب کند یا اجازه دهد . بمنظور تنظیم نقشه‌ای مشخص برای کلیه مسائلی که در اینجا طرح شده طرفین موافقت میکنند که کمیسیونی مرکب از سه عضو که بترتیب نماینده دایره عمومی عملیات نظامی شورای نظامی ملی و وزارت جنگ و ارتش هجدهم باشد تشکیل گردد .

”در مورد حکومت محلی در مناطق آزادشده ، حزب کمونیست پیشنهاد زیر را داد : دولت باید وضع قانونی دولتهای منتخب خلق را در مناطق آزادشده و در تمام مدارج برسمیت بشناسد . دولت اعلام داشت که پس از تسلیم ژاپن اصطلاح ’ منطقه آزادشده ’ باید منسوخ تلقی شود و وحدت مقامات دولتی در مقیاس ملی برقرار گردد . فرمول اولیه‌ای که حزب کمونیست پیشنهاد کرده بود پیش‌بینی میکرد که با در نظر گرفتن وضع کنونی هیجده منطقه آزادشده در استانها و مناطق اداری میبایست

مرزبندی جدیدی بعمل آید و حزب بمنظور توحید مقامات دولتی صورتی از اعضا دولتهای محل منتخب خلق در مدارج مختلف تسلیم خواهد نمود تا این اعضا از طرف دولت مرکزی در مقام خود تأیید گردند. دولت خاطر نشان ساخت که همان طوری که رئیس چانکایشک به آقای مائو اعلام داشته دولت مرکزی پس از وحدت فرماندهی نظامی و مقامات دولتی در سراسر کشور صورت اشخاصی را که حزب کمونیست چین توصیه میکند در نظر خواهد گرفت. دولت در نظر خواهد گرفت تعدادی از کارکنان اداری مناطق باز ستانده را که بجنگ مقاومت خدمت کرده‌اند با توجه به درجه لیاقت و وضع خدمت آنها و صرفنظر از تعلق سیاسی آنها بخدمت نگاه دارد. در این موقع حزب کمونیست چین فرمول دیگری پیشنهاد کرد و از دولت مرکزی خواست نامزدهائی را که حزب کمونیست چین معرفی میکند به مقامات رؤسا و اعضای دولتهای ایالتی منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و پنج استان ژه هه ، چاهار ، سه به ، شان دون و شان سی منصوب نماید و نامزدهائی را که حزب کمونیست معرفی میکند به مقامات نواب رئیس و اعضاء شش دولت ایالتی زیر : سوی یوان ، سه نان ، جیان سو ، ان هوی ، حو به و گوان دون بر گمارد (زیرا که در یازده استان نامبرده یا مناطق آزاد شده وسیع و یا مناطق دیگر با وسعت کمتر وجود داشت). حزب کمونیست چین همچنین خواهان انتصاب نامزدهای خود به مقامات معاون شهرداری در چهار شهرداری مخصوص بی پین ، تیائزین ، چینگ دائو و شانگهای و قبول نامزدهای خود برای اداره استانهای شمال شرقی بود. پس از مباحثات بسیار بر سر این مسئله ، حزب کمونیست چین پاره تغییرات در فرمول دوم خود وارد ساخت و انتصاب نامزدهای خود را بمقامات رؤسا و اعضای دولتهای ایالتی منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و چهار استان ژه هه ، چاهار ، سه به ، شان دون و انتصاب بمقامات نواب رئیس و اعضای دو دولت ایالتی شان سی ، سوی یوان و همچنین انتصاب بمقامات معاونت شهرداری را در سه شهرداری مخصوص بی پین ، تیائزین و چینگ دائو خواستار گردید. دولت در پاسخ اعلام داشت که حزب کمونیست چین میتواند نامزدهای خود را که در جریان جنگ مقاومت منشاء خدمت شایانی بوده و در امور اداری از خود کاردانی نشان داده‌اند برای انتصاب آنها بدولت توصیه کند ، اما حزب کمونیست چین ، اگر در امر انتصاب نامزدهای خود بمقامات رئیس ، نایب رئیس و اعضای این یا آن دولت ایالتی پافشاری کند صادقانه مایل بوحدت فرماندهی نظامی و وحدت مقامات دولتی نخواهد بود. حزب کمونیست چین پیشنهاد دوم خود را پس گرفت و فرمول سومی پیشنهاد کرد : در مناطق آزاد شده تحت مسئولیت دولتهای منتخب خلق در تمام

مدارج و تحت کنترل نمایندگان که کنفرانس مشورتی سیاسی تعیین میکند انتخابات همگانی صورت خواهد گرفت ، و اعضای همه احزاب سیاسی دیگر و همچنین شخصیت‌های کلیه محافل که برای شرکت در انتخابات به زادگاه خویش باز میگردند مورد استقبال قرار خواهند گرفت . انتخابات توده‌ای در مقیاس شهرستان باید در جایی صورت گیرد که بیش از نیمی از بخش‌ها و دهستان‌ها انتخابات توده‌ای را انجام داده باشند . بهمین قسم انتخابات توده‌ای در مقیاس ایالتی یا در مقیاس منطقه اداری در جایی صورت میگیرد که بیش از نیمی از شهرستان‌ها انتخابات توده‌ای را انجام داده باشند . برای تأمین وحدت مقامات دولتی ، تمام منتخبین به مقامات دولتهای ایالتی ، مناطق اداری و شهرستانی باید توسط دولت مرکزی در مقامات خود تأیید گردند . دولت در پاسخ گفت که این شیوه انتصاب در مورد استانها و مناطق اداری بسود وحدت مقامات دولتی نیست - معذک دولت خواهد توانست انتخابات توده‌ای را در مقیاس شهرستانی در نظر بگیرد ولی انتخابات توده‌ای در مقیاس ایالتی فقط پس از اعلام قانون اساسی پس از آنکه آئین‌نامه استانها مشخص گردد صورت خواهد گرفت . تا فرا رسیدن آنزمان ، فقط بر دولتهای ایالتی منتصب دولت مرکزی است که به مناطق مربوطه خود رهسپار گردند ، اداره امور را در دست خود بگیرند و شرایط عادی را بسرعت باز گردانند . آنگاه حزب کمونیست چین فرمول چهارمی پیشنهاد کرد متضمن این نکته که در تمام مناطق آزادشده تا زمانیکه مقررات قانون اساسی مربوط به انتخابات توده‌ای دولتهای ایالتی بتصویب نرسیده و بمرحله اجرا گذارده نشده موقتاً وضع موجود بدون هیچگونه تغییری باقی بماند و فعلاً بمنظور تأمین برقراری صلح و نظم مقرراتی موقتی تعیین شود . از سوی دیگر حزب کمونیست چین بر آن بود که حل این مسئله ممکن است به کنفرانس مشورتی سیاسی واگذار گردد . دولت اصرار داشت که در مرحله اول وحدت مقامات دولتی ضرورت دارد و اعلام کرد که بدون حل این مسئله بیم آن میرود که مانعی بر سر راه صلح و ساختمان ایجاد گردد . دولت اظهار امیدواری کرد که بزودی برای این مسئله راه حل مشخصی پیدا شود . حزب کمونیست چین پذیرفت که مذاکرات همچنان ادامه یابد .

۲ - شان دان نام قدیمی قسمت جنوب شرقی استان شان سی بود که چان جی مرکز آن بود . قسمتهای کوهستانی آن از طرف لشگر ۱۲۹ ارتش هشتم در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی بمنزله تکیه‌گاه مورد استفاده قرار گرفت ، به منطقه آزادشده شان سی - حه به - شان دون - حه نان تعلق داشت . ین سی شان ، دیکتاتور نظامی گومیندان در سپتامبر ۱۹۴۵ سیزده لشگر گرد آورد که هماهنگ با سپاهیان ژاپنی و

سپاهیان پوشالی یکی پس از دیگری از شهرهای لین فن ، فو شان و ای چن و همچنین از قای یوان و یوتسی برای اشغال سیان یوان ، تون لیو و لو چن در منطقه آزادشده جنوب شرقی شان سی حرکت کردند . در اکتبر ارتش و خلق این منطقه آزادشده بحمله متقابل پرداخته و بر نیروهای مهاجم تلفاتی بالغ بر ۳۵ هزار نفر وارد ساختند ، تعدادی افسر عالی رتبه از آنجمله فرماندهان سپاه و لشکر به اسارت گرفتند .

۳ - سخن بر سر تجربه‌ای است که حزب کمونیست چین در مبارزه با گومیندان از ۱۹۲۷ یعنی سالی که گومیندان به انقلاب خیانت ورزید تا ۱۹۴۵ بدست آورده بود .

۴ - نقل از مقاله « درباره دولت ائتلافی » قسمت ۲ بخش ۴ « برنامه خاص ما » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۳ .

۵ - صحبت بر سر تکیه گادهای ارتش توده‌ای است در هشت استان گوان دون ، جه جیان ، جنوب جیان سو ، جنوب ان هوی ، ان هوی مرکزی ، حو نان ، حو به و حه نان ( بدون استان شمالی ) .

۶ - مراجعه شود به « دو سرنوشت چین » و « یوگون پیر مردی که کوه را از جا میکند » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۳ .

۷ - از یازدهم سپتامبر تا ۲ اکتبر ۱۹۴۵ وزرای امور خارجه اتحاد شوروی ، چین ، اتازونی ، بریتانیای کبیر و فرانسه در لندن جمع آمدند تا پیمانهای صلح با ایتالیا ، رومانی ، بلغارستان ، مجارستان و فنلاند را یعنی کشورهایی که در جنگ تجاوزکارانه آلمان فاشیستی شرکت جسته بودند مورد بحث قرار دهند و در باره وضع آینده مستعمرات ایتالیا به بحث پردازند . این کنفرانس بهیچ موافقتی نیانجامید زیرا که اتازونی ، بریتانیای کبیر و فرانسه که در سیاست امپریالیستی تجاوزکارانه خود پافشاری میکردند و امید داشتند که قدرت توده‌ای را که پس از پیروزی در جنگ ضد فاشیست در رومانی ، مجارستان و بلغارستان برقرار گردیده بود واژگون سازند ، پیشنهادات منطقی اتحاد شوروی را رد کردند .

۸ - مراجعه شود به « چند ارزیابی از وضع بین‌المللی کنونی » ، جلد حاضر .